



2012/08/17

ولی احمد نوری

## محاكمة جنایتکاران مرده را تاکید میکنم

بلی من نوشته خود تحت عنوان «مکتی بر راپور "راد نوردلند" را که بتاريخ دهم اگست 2012 که همزمان در پورتال افغان جرمن آنلاين و فیس بوک به چاپ رسیده است، با تمام قوا و با وجدان بیدار تأیید میکنم. منظور من از یاد آوری اسمای اعضای خط اول احزاب «خلق» و «پرچم» **طویل شدن لیست جنایتکاران** و خود مطرح سازی نبوده است. ولی در یاد آوری و معرفی کسانی که به توطئه، دسیسه و قوت اجنبی بر افغانستان تحمیل گردیده و در کشتار صد ها هزار انسان هموطنم، در ویرانی نظام سیاسی دو صد و چند ساله میهنم، در احیای مجدد افراطیون مذهبی و تشکیل تنظیم های جهادی در خارج سرحدات افغانستان، در تجاوزات بر نوامیس ملی، در فراهم آوری زمینه اشغال نظامی کشورم و برآورده ساختن آرزوی دیرینه روس و هزاران اعمال شرم آور و ننگین دیگر نزد ملت افغانستان سیاه رو اند و مسؤولیت دارند، اصرار دارم. این تنها فریاد من نیست بلکه فریاد ملتی است که چهارده سال در دوزخ کمونیزم سوختند و آهی هم کشیده نتوانستند. اگر اسم این قهرمانان؟! انقلاب ظفرنمون؟! و برگشت ناپذیر؟! ثور خاصاً اسم رهبر کبیر؟! خاطر کسی را ناراحت کرده باشد نمیدانم ایجاب معذرت خواهی می نماید؟

به اثر مصروفیت های روزگار و تکالیف صحی فرصت مطالعه همه نوشته های همکاران محترم افغان جرمن آنلاين برایم میسر نیست، و صرف به مطالعه چند نوشته ناب و با اهمیت قناعت میکنم. نا راحتی جناب عبدالباری جهانی را از ورای نوشته جناب عارف عباسی مطلع شدم. و سپس نوشته جوانیه آقای جهانی را در مورد خواندم و برای معلومات بیشتر به مطالعه نوشته شان پرداختم. من هم از پاراگراف اول نوشته شان عین برداشت جناب عباسی را دارم که یک برداشت واقعی بوده هر خواننده بلا تردید آنرا تأیید می نماید و نویسنده نه طفره رفته میتواند و نه منکر شده میتواند. بر علاوه متوجه برافروختگی نویسنده «مور خه لیکو؟» از پیشنهاد خود (یعنی محاکمه مرده های خط اول احزاب خلق و پرچم، شدم. سپس نوشته جوانیه جناب جهانی و انکار شانرا از نوشتن این مفهوم که گویا نگفته اند که :

« . . . بعضی از نویسندگان در امریکا و اروپا به ارتباط مقاله نیویارک تایمز پیرامون محاکمه جنایتکاران جنگی **هنگامه برپا نموده و با ذکر نام اشخاص دیگر لیست را طویل ساخته اند.**» دوباره به متن نوشته شان به پشتو مراجعه کردم و این جمله را در پاراگراف اول شان خواندم که شما عزیزان را هم بخواندن آن دعوت میکنم آنرا در همین جا بخوانید :

**«دخه مودی راهیسی، چی د نیویارک تایمز په ورخپانه کی، په افغانستان کی د بشر پر حقوقو باندی د تیریو او بشری جنایاتو په باره کی یو رپورت خپور سوی او د ځینو مشهورو قاتلانو نومونه یی چاپ کړی دی، په اروپا او امریکا کی اوسیدونکو منورینو هنگامه جوړه کړی او هر یو په خپل وار د جنایتکارانو د نومونو د لیست د اوریدلو غوښتنه کوی.»**

با وجود اینکه زبان عزیز پشتو زبان مادر من و زبان اجداد من است، ولی بد بختانه به آن دسترسی کافی ندارم این پاراگراف را چنین ترجمه میکنم :

« از منی به اینطرف، که در روزنامه نیویارک تایمز، راپوری پیرامون تجاوزات بر حقوق بشر در افغانستان و جنایات بشری نشر شده است و اسمای بعضی قاتلان مشهور را چاپ کرده اند، **باشندگان منور اروپا و امریکا** (منظور شان حتماً افغان ها می باشد) **هنگامه ای را بر پا کرده اند و هر یک شان به نوبه خود می خواهند فهرست نامهای جنایتکاران را طویل سازند.**»

در مورد محاکمه جنایتکاران خلق و پرچم و وابستگان تنظیم ها (زنده یا مرده) که نوشته ام و سبب ناراحتی بعضی ها شده است، ندامت و پیشیمانی ندارم و آن نوشته را باز هم به تمام قوت تأیید میکنم و در لینک زیر دوباره به مطالعه و قضاوت شما خوانندگان می گذارم:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/walinouri\\_makse\\_bar\\_rapport\\_new\\_yorl\\_tims.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_makse_bar_rapport_new_yorl_tims.pdf)

شاغلی جهانی در اینباره می نویسند :

« . . . حتی یو محترم لیکوال خو د ژوندیو په محاکمه بسیا سوی نه دی او د مرو د محاکمه کیدلو غوښتنه یی هم کړی ده. په داسی حال کی چی مور له مرو سره هیڅ نه سو کولای. ځکه چی هغوی د خدای تعالی حضور ته ورغلی دي او هغه ذات به

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی

حساب ورسره کوي. که خبره د تاريخ وي نو زه گومان کوم چې تاريخ به د وخته د هغوی په باره کې خپل قضاوت کړي وي».

یعنی « حتی یک نویسنده . . . به محاکمه زنده ها اکتفا نمی کند و خواهان محاکمه مردگان هم است. در حالیکه ما با مردگان هیچ چیزی کرده نمی توانیم. زیرا آنها بحضور خداوند تعالی رفته اند و ذات او با ایشان حساب میکند. اگر سخن از تاریخ است، من گمان میکنم که تاریخ پیش از پیش در باره آنها قضاوت کرده است».

محترم جهانی همانطور که در شعر و شاعری دارای استعداد محسوب شده اند، سعی نموده اند تا در مسایل جزایی و قضایی نیز برگزیده بوده متبحر متظاهر گردند. در یادداشت ایشان بر علاوه نکات بالا پیرامون ترجمه مقاله و راپور مربوط به شناسایی و فهرست متهمین به جنایات علیه بشریت، موضوع شگفت انگیز دیگری ملاحظه می شود. محترم جهانی موضوع را طوری انشاء نموده اند و استدلال و دلایلی را ذکر کرده اند که بی میلی وعدم علاقه ایشان را به تعقیب و آغاز پروسه به محاکمه کشانی متهمین به جنایات علیه بشریت در افغانستان به وضاحت بیان و عریان ساخته است، این دلایل، بدون شک همان دلایلی هستند که متهمین هم حتماً برای دفاع از خود به آن استناد خواهند کرد، و آنها عبارتند از :

1- استناد به فیصله ولسی جرگه مبنی بر عفو متهمین به جنایات علیه بشریت در افغانستان. چنانچه محترم جهانی می فرماید : « . . . زه له خیلو لیکوالانو څخه پوښتنه کوم چې که د افغانستان د جمهور رئیس دغه قضاوت وی او اولسی جرگه، مشرانو جرگه او ټوله دولتی دستگاه د دسیسو میدان وی او په هیواد کې هغه جنایتکاران، چې د ملگرو ملتونو په رپوتونو کې یې نومونه راځي د قدرت پر چوکیو ناست وی تاسی د بشر له حقوقو څخه سرغړونکي، قاتلان او جنایتکاران چیرې محاکمه کوي. جمهوریس کرزی خو د دغو کسانو په حق کې د خپل ټول سخاوت څخه کار اخیستی او هغوی یې د خپل قدرت په دوهم کال ټول عفو کړل. نو اوس به مور هغوی کومې محکمې ته کښوو».

عرض میکنم: حین طرح و تصویب مصوبه عفو جنایتکاران توسط پارلمان و امضای آن بالوسیله حامد کرزی به استثنای کار گذاران جانبدار عدلی و قضایی و حقوقی، تقریباً تمام اهل مسلک، آن بخش ها یا موارد مصوبه را مورد انتقاد قرار داده و فاقد هر گونه ارزش قانونی و اصولی اعلام کردند، استدلال ایشان در زمینه این بود که : پارلمان یک ارگان تقنینی است و نه یک ارگان قضایی که دست به صدور فیصله دارای ماهیت قضایی بزند، فیصله ای بچنین اهمیت بس بزرگ و ملی باید این فیصله توسط یک ریفرنندم سرتاسری ویا لویه جرگه عنعنوی صورت گیرد . واقعیت دیگری که در فیصله پارلمان نهفته، اینست که بسی از جانبیان جنگی فعلاً بنام وکیل مردم زیر این سقف نشسته اند، اتخاذ موقف بیطرفی و خموشی مقامات عدلی و قضایی درین فیصله خود نقض علنی قوانین مندرج برای محاکمه اصولی و عادلانه می باشد و فیصله یک مرجع جانبدار اصلاً ارزش قضایی و اجرایی ندارد. و باز در خود همان فیصله به وضاحت تذکر یافته که « بخش حق العبدی رویداد های مورد نظر مشمول این فیصله نمی گردد» فراموش نکنیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در بر رسی و فیصله قضایا دستورات فقه، شریعت و عرف را معتبر شمرده، قصاص حقی است که اساسات شرعیست اسلامی به مجنی علیها و بازماندگان آن داده است، این حق مشمول حقوقی میشود که اجرا و بخشایش آن صرف حق مجنی علیها و بازماندگان آن دانسته شده و بناءً شامل عفو مورد نظر شما (محترم جهانی) نمی شود.

2- استناد به دسته بندی و تفکیک آن جرایم به «کهنه» و «نو» یعنی اشاره به اصل مرور زمان برای جرایم علیه بشریت. چنین می نویسد : « . . . زه، د جنایتکارانو او قاتلانو د محاکمه کیدلو په برخه کې، له خیلو ټولو وطندارو لیکوالانو او پوهانو سره په یوه عقیده یم. زاره او نوي جنایت ته باید په یوه سترگه وکتل سی او هرڅوک باید د خپلو جنایتونو حساب ورکړي . . .».

در باره جرایم کهنه و نو، فقط همین مختصر کافیسست که: جرایم علیه بشریت کهنه و نو نداشته به مرور زمان ربطی ندارد یعنی تا صد ها سال قابل تعقیب و محاکمه می باشد (میثاق عامل نبودن موعد زمانی در بررسی جنایات جنگی و جنایات ضد بشری منعقد 1968 و تاریخ انفاذ 11 نوامبر 1970). استناد به این میثاق بخاطر بیست که « جنایات علیه بشریت» توسط همین میثاق شناسایی و تعریف میگردد.

3- استناد به فقدان وجود محاکم با صلاحیت برای رسیدگی به این قضایا. « . . . خو زه وایم یو ځل باید محکمه او نظام پیدا کړو او بیا به د جنایتکارانو سره حساب کوو. مگر زموږ ځینی پوهان، لکه چې، په دی عقیده دی چې لومړی باید جنایتکاران محاکمه سی، محکمې پخپله پیدا کړی. که می گستاخی نه وی کړی، ما ته دا منطق یو څه سرچیه ښکاري. . .».

قبول این استدلال از لحاظ منطق مشکل بوده بسیار ضعیف می نماید، برای رسیدگی به این قضایا ما دو نوع محکمه را سراغ داریم:

محاکم ملی و محاکم بین المللی، ماده 120 فصل هفتم قانون اساسی افغانستان، صلاحیت قوه قضاییه افغانستان را برای رسیدگی به تمام دعاوی به رسمیت شناخته است، موانعی که در مقابل اجرای عدالت انتقالی موجود است موانع سیاسی است نه موانع حقوقی و قضایی، برداشتن این موانع مستلزم شهادت جدی عدالت خواهانه و ملی است. در حالاتی که محاکم

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

ملی، عدالت را بنا بر دلایلی تأمین کرده نتوانند و یا اجرای عدالت با بی انصافی و نقض حقوق بشری توأم باشد و یا اصولاً در مورد صلاحیت محاکم ملی تردیدها و مشکلاتی وجود داشته باشد، می توان با رعایت ضابطه های موجود به محاکم بین المللی مراجعه نمود، در زمان ما جامعه جهانی دارای دیوان جزایی بین المللی «C I C» و یا به مخفف فرانسوی «C P I» است، صلاحیت آن از لحاظ زمانی به وقایعی منحصر است که قبل از سال 2002 یعنی سال نهایی تأسیس و انفاذ اساسنامه آن روی داده باشد، به این صورت دیوان جزایی بین المللی به صورت عادی صلاحیت رسیدگی به جرایم علیه بشریت در کشور ما را نخواهد داشت، پس چه باید کرد، یا شورای امنیت سازمان ملل متحد چنین صلاحیتی را به طور استثنایی به این دیوان اعطاء کند و یا آن شورای امنیت تصمیم به ایجاد محکمه خاص رسیدگی به قضایای نقض و تجاوز به حقوق بشری در افغانستان را اتخاذ نماید، همانند محاکمی که برای یوگوسلاوی (1993) و رواندا (1994) تأسیس شد، که متهمین به جنایات علیه بشریت را در آن کشورها مورد پیگرد و محاکمه قرار داده می روند.

4- استناد به فقدان دلایل و مدارک اثباتی و عدم جمع آوری و انسجام آن. چنین می فرماید: «... د جنایتونو او جنایتکارانو په باره کی تاریخی شواهد سیرل او برابرول او ملی او بین المللی محکمو ته سیارل یوه مقدسه وظیفه ده. خو که مور هر خویره کره او قوی شواهد په لاس کی ولرو...».

اتفاقاً مرتکبین جنایات ضد بشری در کشور ما از مهارت بلند مجرمانه برخوردار نبوده اند، لذا از خود مدارک و علایم بیشماری به جا گذاشته اند که در همان آوان ارتکاب جرم فلمبرداری، ثبت صدا، عکس برداری، ثبت و اندراج لازم مستند سازی گردیده اند، شاهدان عینی که قوی ترین مدرک است تا هنوز زنده اند و در محاکم ملی و بین المللی بحیث موثق ترین مدارک از آن استفاده می شود، اما این نگرانی کاملاً به جاست که مدارک تا هنوز دست نخورده، محو و ناپدید شود و یا اسنادی که از آن نام بردیم، مورد معامله قرار گیرد، چه در مؤسسات امنیتی و استخباراتی فعلی بقایای مأمورین آگسا و خاد فعالیت دارند، کمیون مستقل حقوق بشر افغانستان علی الرغم موانع و کار شکنی های اشخاص و تنظیم های ذیدخل تا حدود زیادی در جمع آوری و درج اسناد ثبوت موفق بوده است، به همین ترتیب فارو (کنفدراسیون پناه جویان افغان مقیم اروپا) در گردهمایی 2010 (اگر سال را اشتباه نکرده باشم) تمام افغان ها را تشویق نمود تا در جمع آوری و ثبت مدارک و اسناد اثباتی آن جرایم سهم بگیرند. خود فارو نیز تعهد نمود تا در این کار سهمی ادا نماید.

در نگارش محترم جهانی یادآوری شده است، فریاد دادرسی ما افغانها مؤثر نخواهد بود، و احدی به آن وقعی نخواهد گذاشت. اما ولو کم بهاترین یادآوری از موضوع، باز هم در احصایه گیری ها توجه ما افغان ها به موضوع تعقیب مرتکبین جنایات ضد بشری، نقش خود را دارد.

موجودیت یک انجمن سرتاسری افغان ها (که آقای جهانی غیابت آن را یکی از دلایل منفی در پیشرفت قضیه وانمود کرده اند) می تواند اثر مثبتی در آغاز و دوران پروسه جا بگذارند، ولی وجود این انجمن به هیچ وجه یکی از شرایط اقامه دعوی شمرده نمی شود.

مشروط ساختن اقامه دعوی بر علیه جنایت کاران، به تأمین صادقانه وحدت ملی، باز هم شرط سنگین دیگری را در برابر پروسه مورد بحث قرار می دهد، مگر می توان گفت که این دو یعنی محاکمه جنایت کاران و استحکام وحدت ملی بالای همدیگر اثر مثبت متقابل دارند.

جناب جهانی! در اینجا باید به عرض شما برسانم که این تنها من نیستم که محاکمه جنایتکاران مرده خلق و پرچم را می خواهم این را کنوانسیون های حقوقی و بین المللی و کود های جزایی اکثریت عظیم کشورها می خواهند. در همین کنوانسیون ها و کود های جزایی و قوانین جزایی ذکر شده است که «جنایت علیه بشریت و انسانیت و جنایات جینوسایت و ایکوسایت غیر قابل عفو بوده و میتوان مجرمین این دسته جنایات را صد سال بعد و هزار سال بعد به محاکمه کشاند. به مقالات جناب غوث جانباذ حقوق دادن افغان که در همین سایت افغان جرمن آنلاین چاپ شده است بواسطه لینک های ذیل مراجعه فرمائید.

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/janbaz\\_g\\_ienayat\\_janqi.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/janbaz_g_ienayat_janqi.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/gh\\_janbaz\\_mahkamae\\_baenalmelalai\\_genai.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/gh_janbaz_mahkamae_baenalmelalai_genai.pdf)

شاغلی جهانی شاعر برجسته زبان پشتو!

شما با استفاده از عقاید مردم ما، خبر می دهید که: «حُکة چی هغوی د خدای تعالی حضور ته ورغلی دی او هغه ذات به حساب ورسره کوی.»

من هم بخود حق می دهم، تا بر اساس عقاید مردم ما، بشما گوشزد نمایم که مردم معتقد ما، به دین اسلام، در جمله نام های فراوان، یک نام خالق کون و مکان را «حق» یا «حقیقت» خوانده اند. چون خداوند را واحد و لا شریک می دانند. بناءً

د پاپو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

«حقیقت» هم، غیر قابل تجزیه و تقسیم بوده، نیم «حقیقت» و یا کسر «حقیقت» وجود ندارد. نیم حقیقت را می توان «ناقص» یاد کرد، که با اصل کلمه مطابقت ندارد. فقط از نگاه عقاید مردم مؤمن ما، چنین کلمات در هنر «منافقین» مرجع استعمال خود را می یابد. چون «حقیقت یکی و دروغ هزار» بوده می تواند، بناءً در «بدیل» دروغ می توان تقسیم کرد. اما «حقیقت» باید همیشه غیر قابل تقسیم و تجزیه بکار برده شود، که من هم اینکار را انجام داده و می دهم، نیازی به توصیه ندارم. حال هم با مراجعه به خوانندگان محترم، می خواهم این رسالت را بسر رسانم.

در جای دیگری از نوشته جناب جهانی می خوانیم: «... زه به اروپا او امریکا کی د اوسیدونکو لیکوالانو او یوهانو سره، چی د قلم جولو تمرین کوی، د زره خواله کوم.»

در اینجا محترم جهانی برای آن نویسندگان و دانشمندان افغان ساکن اروپا و امریکه که در قلم زنی تمرین میکنند دل می سوزاند.

جواب این بخش نوشته جناب جهانی را به خود نویسندگانی و دانشمندان ساکن اروپا و امریکا می گذارم، که به عقیده من از طرف جناب جهانی توهین شده اند.

خوانندگان محترم!

«لوموند دیپلوماتیک» چاپ فرانسه در شماره ماه آگست خود، در جایی می نویسد که: «کمونیست های خلق در آغاز با قوت خونین حکمروائی می نمودند. چهل جنرال و متحدین سیاسی داوود را (سردار محمد داوود - و.ا.ن.)، با دو صدر اعظم سابق را فوراً اعدام نمودند.»

حال به شاغلی جهانی حالتی را از تاریخ منازعات «فرقه های مذهبی عیسویت» بیاد می آورم. زمانی فرقه «کاتولیک روم»، بر علیه «عیسویان «اورتودوکس» یونانی، کشتار بیرحمانه را مرتکب شده بودند. در طی قرون بین این دو فرقه، این دشمنی و جنایت نا بخشودنی فراموش نمی شد. هیچ «پاپ» دیگر در گذشت هزار سال در فکر «معذرت و پوزش» نبوده اند. فقط، «پاپ اخیر» متوفی، «پولندی الاصل»، از «کلیسای ارتودوکس یونانی» طلب بخشش کرد، تا روابط صلح آمیز بین آنها برقرار شده بتواند.

حال از شما شاغلی جهانی می پرسم، که قرار معلوم در آنوقت هم بحیث شاعر معروف در کابل بودید، چه فکر می کنید، که پیروان آن رهبران، که من از نامهای آنها یا از مقامات و عمل آنها نام برده ام، چند «قرن» بعد، عفو خواهند خواست، تا «شعله های جنگ» خاموش شود، و زخم ها «التیام» یابند.

متیقن هستم که جناب جهانی با درایت و فهمی که دارند این نوشته را توضیح دوستانه پنداشته نه مشاجره و منازعه. موضوع طرح شده یک آرمان ملی نه یک رویا را تمثیل می کند و اهمیت آن اجازه بُرد و بحث و منازعات شخصی را نمی دهد. بلی اگر امروز و شرایط عینی جامعه تحقق بخشیدن این آرمان را میسر نمی سازد ولی برای هر کشوری فردایی آمدنی است.

در اخیر نکته بسیار با اهمیتی که در این مسأله باید به آن توجه داشت این است، که از مداخله زیاد سیاسیون و سیاسیت مداران در آن جلوگیری شود، زیرا سیاست شفافیت قضایای حقوقی را مکنر خواهد ساخت.

و باز هم در اخیر نباید فراموش کنم که در انشاد این نوشته از نگاه دانش حقوقی و قضایی یکی از دوستان عزیزالقدر افغان حقوقدانم بمن مشوره داده و در تسوید این نکات مدد رسانده است که از ایشان کمال سپاس و ممنونیت دارم. عمر شانرا دراز و درخشش شان را در امور جاویدانه میخوام.

پایان

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی